

از شورای کتاب کودک تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۱-۱۳۵۷)

محمود طاهر احمدی

نوشته می‌شد - بخوانند. بدین سان، جمعیت کتابخوان در گروه سنی مزبور، ناگهان افزایش یافت و به چندین برابر رسید (۲). از آن سو، گسیل سپاهیان دانش به روستاها و گسترش کمی آموزش ابتدائی در بیشتر نقاط کشور، باعث شد تا بتدریج شمار کودکان باسواد افزایش یابد.

چنانچه طبق سرشماری سال ۱۳۲۵، یعنی پس از گذشت سه سال از اجرای طرح سپاه دانش، پانزده درصد جمعیت هفت سال به بالای روستاها، توانائی خواندن و نوشتن به دست آوردند و باسواد شدند (۳).

دگرگونی در آموزش و افزایش تعداد نوسوادان، خود موجب شد که توجه جامعه، به ادبیات کودکان و نوجوانان جلب گردد و ناشرانی چند، به چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان روی آورند (۴). هر چند اغلب کتابهای چاپ شده، ترجمه‌هایی نادرست و خلاصه شده از متون خارجی، آن هم با ظاهری ناساز و بد بود، اما باعث شد اندیشه تاسیس نهادها و سازمانهایی، برای سامان بخشی به وضع کتابهای کودکان و نوجوانان طرح و وارد مرحله عمل گردد. بدین قرار، در دیماه ۱۳۴۱، شورای کتاب کودک (۵)، به همت و همیاری سی و هفت تن از نویسندگان، مصوران، ناشران، کتابداران، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش و علاقه‌مند به کتاب و کودک و مؤمن به پیوند ضروری این دو با هم، به وجود آمد و تا به حال برای دستیابی به هدفهای زیر، به تلاش خود همچنان ادامه می‌دهد:

۱. کمک به شکوفائی ادبیات اصیل ایرانی، برای کودکان و نوجوانان؛
 ۲. کمک به بهبود کیفی و کمی کتابهای کودکان و نوجوانان؛
 ۳. کمک به دسترسی تعداد هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان ایرانی، به کتاب و خواندنیهای مناسب آنان (۶).
- شوراء اینک با تشکیل جلسه‌های بحث و گفتگو، به طور جدی و پیوسته، به نقد و بررسی همه سویه تمام آثاری می‌پردازد که برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود، و همواره دلایل خود را برای قبول یا رد آثار منتشر شده، در معرض افکار عمومی قرار می‌دهد.
- شورای کتاب کودک - که از آغاز تاسیس، به هیچ دستگاه دولتی و ملی وابستگی نداشت و به گفته مسئولانش، همواره کوشیده است، استقلال فکری

پس از شهریور ۱۳۲۰، بر اثر نیاز روزافزون جامعه ایران به آموزش و پرورش پویا، دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت رسمی کشور، علاوه بر اجرای مصوبات قانونی، به وضع و تصویب قوانین جدید آموزشی نیز روی آوردند و به اجرای آنها مبادرت ورزیدند. با وجود این، تلاشهایی این چنین کافی نبود و به نظر می‌رسید، هدفهای نظام آموزشی نیز، می‌بایست تعیین می‌شد. از این رو، شورای عالی فرهنگ و صاحب نظران تعلیم و تربیت، برای تعیین اهداف آموزشی، کوششهایی به انجام رساندند و در نهایت، هدفهای کلی نظام آموزشی کشور شکل گرفت و مراکز آموزشی، گسترش یافت و ارکان سازمان آموزش و پرورش کشور، بر شالوده‌های فکری و فلسفی استوار گردید.

در سال ۱۳۲۴، به دلیل غائله آذربایجان، اقدامات دولت برای بهبود اوضاع آموزشی کشور، تقریباً متوقف گردید و پس از آن نیز، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به سبب اوضاع پر تنش کشور، تلاشهایی از این دست بکنندی گرانید و بسختی پیش رفت.

در واپسین سالهای دهه ۱۳۳۰، و سالهای آغازین دهه ۱۳۴۰، روند اصلاحات اجتماعی در ایران شتاب گرفت و در نتیجه، دگرگونیهای در زندگی مردم پدید آمد و نیازهای تازه‌ای، پیش روی جامعه رخ نمود که از جمله آنها، توجه جدی به آموزش کودکان و نوجوانان و اندیشیدن درباره مسایل آنان بود. (۱) بر این قرار، در نخستین گام به سال ۱۳۴۰، دگرگونی بنیادینی در کتابهای درسی دبستان به وجود آمد و روش آموزش الفبا، به طور کلی با شیوه پیشین تفاوت یافت.

در روش نوین، دانش‌آموزان برخلاف شیوه گذشته، الفبا در ضمن درسها فرامی‌گرفتند و با کلمات، به کمک شناخت اجزای آنها، یعنی حروف آشنا می‌شدند. به این ترتیب، بر اثر تغییر در روش تدریس و مطالب کتابهای درسی، فرایند یادگیری و توانائی خواندن و نوشتن، بسیار آسان شد و در نتیجه، سن مطالعه، تقریباً سه سال پائین آمد. کاهش سن مطالعه در آن ایام، بدین معنی بود که اگر پیش از سالهای ۴۲ - ۱۳۴۳، کودکان بندرت می‌توانستند تا پیش از دهسالگی کتابی غیر از کتابهای درسی خود را بخوانند، از آن پس، قادر بودند در سال دوم ابتدائی هر چه را - که با حروف درشت و در قالب جمله‌های ساده

و سازمانی خویش را حفظ کند (۷) - فعالیتهای خود را، در زمینه های زیر متمرکز نموده است:

۱. بررسی مداوم کتابهای کودکان و نوجوانان؛
۲. انتشار فهرست کتابهای مناسب برای کودکان و نوجوانان؛
۳. انتخاب کتابهای برگزیده سال و اعطای پلاک و جایزه نقدی؛
۴. کتابرسانی به مدارس که دسترسی به کتاب فروشیهای معتبر ندارند؛
۵. کمک فنی به ناشران، نویسندگان، مصوران و مترجمان ادبیات کودکان؛
۶. همکاری با مدرسان ادبیات کودکان (۸).

از کارهای مهم شورایی دستیابی به اهداف خود، انتشار نشریه ای به نام ماهنامه شورای کتاب کودک، در اردیبهشت ۱۳۴۲ بود. این نشریه، بعدها چون همه ماهه منتشر نمی شد، تغییر عنوان داد و با نام گزارش شورای کتاب کودک، انتشار یافت. نشریه شورا، در زمینه های گوناگون ادبیات کودکان بویژه در گزینش کتابهای مناسب، راهنمای خوب و قابل اعتمادی برای اعضای خود در مدارس و خانواده ها، ناشران و پژوهشگران ادبیات کودکان و نوجوانان بوده است.

پس از گذشت نزدیک به دو سال از شروع کار شورای کتاب کودک، دولت نیز، برای دستیابی به اهداف فرهنگی خود، وارد حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان شد و در این عرصه، به تکاپو پرداخت و دو سازمان مهم دولتی، بنیاد نهاد. یکی از آن دو سازمان، مرکز انتشارات آموزشی بود و دیگری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

مرکز انتشارات آموزشی در مهر ۱۳۴۳، برای تقویت توانایی نوسودان در خواندن و همچنین تهیه مطالب خواندنی برای این گروه، در وزارت آموزش و پرورش بنیان نهاده شد. اصلی ترین کار این مرکز، تولید و پخش گسترده مجلات بیک (۹) بود. مجله های بیک، از نظر محتوا، زبان و انطباق مطالب با نیازهای گروه های سنی، از معیارهای علمی پیروی می کرد. بدین سبب، مقاله هادر عین تنوع، از کیفیت بالایی هم برخوردار بود. مرکز انتشارات، علاوه بر مجلات بیک، کتابهایی نیز، برای خردسالان منتشر می کرد.

به طور کلی، چاپ خوب و پاکیزه، پخش مرتب و قیمت ارزان بیکها و کتابها؛ از جمله مزایایی بود که باعث شد، بیکها و کتابهای مرکز، همواره در شمار بهترین نشریاتی قرار گیرد که تاکنون برای کودکان و نوجوانان انتشار یافته است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دومین نهاد مهم دولتی بود که در حیطه ادبیات کودکان، تلاشی گسترده و پیگیر به انجام رساند. در پائیز ۱۳۴۳، چندتن از فرهنگیان و هنرمندان، به دعوت «بانوئی که در کتابداری و ادبیات صاحب نظر بود»، گرد هم آمدند تا مقدمات تاسیس کتابخانه کودکان و تهیه مواد خواندنی را، برای آنان فراهم کنند. بدین قرار، ساخت ساختمانی مجهز در پارک لاله، برای کتابخانه کودک آغاز شد. پس از آن، برای اینکه تاحد امکان همه کودکان و نوجوانان ایرانی، بتوانند به آسانی از کتابخانه کودک استفاده کنند، فکر تاسیس کتابخانه های دیگر به وجود آمد و در نتیجه، اوکین کتابخانه کودکان در باغ شاه، در انباری یک مدرسه، کار خود را آغاز کرد (۱۰).

کانون پرورش، به طور رسمی، در ۲۳ آذر ۱۳۴۴ گشایش یافت و اداره کردن آن، به عهده مدیر عاملی گذاشته شد که هیئت امانا و هیئت مدیره کانون، بر کار او نظارت می کرد. این مدیر عامل، لیلی امیرارجمند بود که از بدو تاسیس کانون تا ۱۳۵۷، کانون پرورش را اداره می کرد. اعضای هیئت امنای کانون نیز،

در ابتدا طبق ماده هفتم فصل دوم اساسنامه کانون، عبارت بودند از:

وزیر دربار شاهنشاهی [حسین قدس نخعی]، وزیر فرهنگ و هنر [مهرداد پهلبد]، وزیر آموزش و پرورش [هادی هدایتی]، رئیس دانشگاه تهران [دکتر علی اکبر سیاسی]، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران [منوچهر اقبال]، مدیر مؤسسه اطلاعات [عباس مسعودی]، مدیر مؤسسه کیهان [مصطفی مصباح زاده]، مدیر کل بانک ملی ایران، مدیر عامل مؤسسه ترجمه و نشر کتاب [احسان یارشاطر]، مدیر مؤسسه انتشارات فرانکلین [همایون صنعتی زاده]، مدیر عامل انجمن ملی حمایت کودکان [محمد دفتری] و دو نفر از علاقه مندان وارد به امور کودک [لیلی امیرارجمند و هما اتحادیه].

اساسنامه کانون، در پنج فصل و پانزده ماده تدوین شد. در ماده دوم فصل اول، هدف از تاسیس کانون، چنین بیان شده است: «منظور از تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ... پرورش ذوق و اندیشه کودکان و نوجوانان و تقویت فضایل اخلاقی و توسعه معلومات آنان، از طریق مواد خواندنی و وسایل سمعی و بصری است.»

کانون برای نیل به مقاصد خود، طبق ماده سوم فصل اول، از راههای زیر، فعالیت می کرد:

الف. تاسیس کتابخانه های مخصوص کودکان و نوجوانان، در تهران و شهرستانها؛

ب. کمک به کتابخانه های عمومی موجود، برای ایجاد قسمتهای مخصوص کودکان و نوجوانان؛

ج. همکاری با وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر، برای ایجاد و توسعه کتابخانه های مدارس و کتابخانه های کودکان و نوجوانان و تعمیم وسایل سمعی و بصری؛

د. ایجاد و اداره کتابخانه های سیار، به منظور برآوردن نیازمندیهای روستاها؛

ه. ایجاد ادبیات کودکان و نوجوانان، و کمک به توسعه و اصلاح آن، به وسیله تشویق نویسندگان، طراحان، ناشران و همکاری با آنان؛

و. مطالعه، جستجو و آزمایش، برای یافتن بهترین و مؤثرترین طرق استفاده از وسایل سمعی و بصری؛

ز. همکاری با کلیه مؤسسات ایرانی و غیر ایرانی که با کانون هدفهای مشابه دارند؛

ح. هرگونه اقدام دیگر که وصول به هدفهای کانون را تسهیل کند (۱۱). تاسیس و اداره کردن کتابخانه ها، که مهم ترین فعالیتی بود که در کانون به انجام می رسید، در حقیقت برای تحقق همان اهداف مندرج در بندهای «الف» تا «د» بود.

کتابخانه های کانون، تنها محلی برای کتابخوانی یا امانت گرفتن آن نبود، بلکه در آنها کارهایی مانند داستان سرایی، معرفی شخصیتها و سرزمینها و ملتها و فعالیتهای همچون اجرای تئاتر و موسیقی و شطرنج و بحث آزاد به انجام می رسید که این همه باعث شده بود، کتابخانه ها، به مراکزی برای دیدن حس مسئولیت پذیری و آموختن آداب همزیستی مسالمت آمیز به اعضای خود گردد. (۱۲)

این گونه فعالیتهای، موجب شد تا کتابخانه های کانون، رفته رفته جای خود را در میان کودکان و نوجوانان باز کند و برنامه هایش، مورد استقبال آنها قرار گیرد و آوازه کانون، در سراسر کشور طنین اندازد. از این رو، حتی از شهرستانهای

سال	تعداد	تألیف	ترجمه
۱۳۴۵	۲	۱	۱
۱۳۴۶	۷	۳	۴
۱۳۴۷	۱۰	۱۰	—
۱۳۴۸	۴	۴	—
۱۳۴۹	۹	۸	۱
۱۳۵۰	۹	۵	۴
۱۳۵۱	۱۲	۸	۴
۱۳۵۲	۱۸	۱۰	۸
۱۳۵۳	۱۴	۷	۷
۱۳۵۴	۱۴	۸	۶
۱۳۵۵	۱۸	۱۳	۵
۱۳۵۶	۲۲	۱۵	۷
۱۳۵۷	۷	۴	۳
جمع	۱۴۶	۹۶	۵۰

نمودار شماره ۱

تعداد عنوان کتاب	گروه سنی
۹	الف
۳۲	ب
۹۴	ج
۸۶	د
۴۰	هـ
۱	اولیای تربیتی

نمودار شماره ۲

گروه سنی تهیه شده بود.

از میان کتابهای منتشر شده کانون، چهار کتاب با مشخصات مندرج در نمودار شماره ۳، به عربی ترجمه و در سال ۱۳۵۵، منتشر شد.

کانون پرورش، شش کتاب مذهبی نیز، برای کودکان و نوجوانان منتشر کرد که مشخصات آنها، در نمودار شماره ۴ آمده است. توجه کانون به آثار تولید شده در داخل کشور، سبب شد تا شمار زیادی از نویسندگان، شاعران، مترجمان و هنرمندان بنام کشور، با کانون همکاری کنند. این گروه، به ترتیب حروف الفبا، عبارت بودند از: منوچهر آتشی، م. آزاد،

دور دست، درخواست تاسیس کتابخانه در آن نقاط، به تهران می رسید. (۱۳) مسئولان کانون، برای پاسخگویی به آن درخواستها، به اقدامی در خور تحسین یعنی راه اندازی کتابخانه های سیار روستایی، روی آوردند و از این راه، کتابهای خواندنی را، به دست کودکان و نوجوانان اقصی نقاط کشور رساندند. کانون پرورش، برای دستیابی به مفاد بند «ه پ»، یعنی ایجاد ادبیات کودکان و نوجوانان و کمک به توسعه و اصلاح آن، سازمان انتشارات کانون را، در زمستان ۱۳۴۵ بنیان نهاد. در این سازمان، طی سیزده سال فعالیت یعنی از ۱۳۴۵ تا پایان سال ۱۳۵۷، یکصد و چهل و شش عنوان کتاب، برای گروههای سنی زیر، چاپ و منتشر شد:

گروه الف. سالهای پیش از دبستان؛

گروه ب. سالهای آغازین دبستان؛

گروه ج. سالهای پایانی دبستان؛

گروه د. دوره راهنمایی؛

گروه ه پ. دبیرستان؛

در نمودار شماره ۱، توزیع آماری ۱۴۶ عنوان کتاب، به تفکیک سال انتشار آمده است.

از این نمودار، برمی آید که کانون، چاپ کتابهای نویسندگان ایرانی را، بر ترجمه آثار خارجی ترجیح می داده است تا آنجا که تقریباً ۶۷/۸ درصد کتابهای چاپ شده، کار نویسندگان ایرانی بوده است.

در نمودار شماره ۲، شمار عناوین کتابهایی که برای گروههای سنی پنجگانه و اولیای تربیتی تولید شده بود، آمده است. البته بعضی از کتابها، برای دو یا سه

نام کتاب	نویسنده	مترجم	نقّاش	گروه سنّی	سال انتشار به زبان فارسی
عمونوروز (العمونوروز)	فریده فرجام و م. آزاد	فیاض علیمات	فرشیدمثنالی	ب	۱۳۴۶
شاعر و آفتاب (الشاعر والشمس)	سیروس طاهباز	"	بهمن دادخواه	ج	۱۳۴۷
آهو و پرنده‌ها (الغزال والطيور)	نیما یوشیج	"	فرشیدمثنالی	ج	۱۳۴۹
بابابرفی (بابا الثلج)	جبار باغچه بان	"	آلن بیاش	ب، ج	۱۳۴۹

نمودار شماره ۳

نام کتاب	نویسنده	مترجم	نقّاش	گروه سنّی	سال انتشار
فرزند زمان خویشتن باش	غلامرضا امامی	—	علی اکبر صادقی	ج - د	۱۳۵۱
عبادتت چون تفکر نیست!	"	—	"	"	۱۳۵۲
حقیقت، بلندتر از آسمان	"	—	"	"	"
مادر پیامبر	بنت الشاطی	ب - ابطحی	"	د - ه	۱۳۵۳
آنها، زنده اند	غلامرضا امامی	—	"	"	۱۳۵۴
آتش باش تا برافروزی	"	—	"	ج - د	۱۳۵۷

نمودار شماره ۴

تصویر پردازان، استفاده می‌کرد و تا حد امکان، تسهیلات فراوانی هم در اختیار آنها قرار می‌داد تا آن گروه، با خاطری آسوده، به کار تالیف و ترجمه و تولید کتاب مبادرت ورزند. (۱۴)

کتابهای کانون، به لحاظ کیفی نیز، از بهترین کتابهای منتشر شده در فاصله سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۷ بود. از این رو، حتی بعضی کتابهای کانون را، مجامع بین المللی، تاءید و تحسین کردند.

برای نمونه در سال ۱۳۴۸، کتابهای ماهی سیاه کوچولو نوشته صمد بهرنگی، و گل بلور و خورشید نوشته فریده فرجام، برنده جایزه نمایشگاه بولونی شد. در همین سال، کانون پرورش، علاوه بر شرکت در نمایشگاه براتیسلاوا و دریافت جایزه، موفق شد با همکاری دو ناشر امریکائی، شش عنوان از کتابهای خود را، در امریکا ترجمه و چاپ کند. (۱۵)

فرشید مثنالی نیز در ۱۳۵۳، موفق به دریافت مدال هانس کریستین اندرسن، از اتحادیه بین المللی کتاب برای جوانان گردید. (۱۶)

فعالیت مهم و در خور دیگر کانون، برای تولید محصولات فرهنگی و هنری، تاسیس مرکز سینمائی بود. این مرکز در ۱۳۴۹، به منظور تهیه فیلمهای ارزنده آموزشی و تفریحی برای کودکان و نوجوانان و راهگشائی در جهت گسترش این صنعت در ایران، فعالیت خود را آغاز کرد و با موفقیت، آن را دنبال نمود. (۱۷)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در طول اندکی بیش از یک

داریوش آشوری، نادر ابراهیمی، احمد رضا احمدی، مهدی اخوان ثالث، غلامرضا امامی، گلای امامی، مهشید امیرشاهی، ثمین باغچه بان، م. ا. به آذین، مهرداد بهار، صمد بهرنگی، بهرام بیضائی، شهرنوش پارسا پور، عظیم خلیلی، بهمن دادخواه، مرتضی رضوان، نورالدین زرین کلک، غلامحسین ساعدی، محمدعلی سپانلو، جمشید سپاهی، قدمعلی سرامی، همتیار، سیروس طاهباز، منصوره فاطمی، فریده فرجام، بهمن فرسی، محمد قاضی، داریوش کارگر، سیاوش کسراتی، پرویز کلانتری، طوبی کهربائی، عباس کیارستمی، تقی کیارستمی، کاوه گلستان، لیلی گلستان، فرشید مثنالی، جواد مجابی، رضا مرزبان، بیژن مفید، مرتضی ممیز، مجید نفیسی، منوچهر نیسانی، فریدون هدایت پور و عباس یمینی شریف. در این میان، پرکارترین نویسندگان، عبارت بودند از: م. آزاد، هشت کتاب (دو کتاب با همکاری فریده فرجام)؛ غلامرضا امامی، پنج کتاب؛ نادر ابراهیمی، پنج کتاب؛ سیروس طاهباز، چهار کتاب؛ فریده فرجام، چهار کتاب؛ مهرداد بهار، محمدعلی سپانلو، سیاوش کسراتی، جواد مجابی و نیما یوشیج، هر کدام دو کتاب؛ و بقیه نویسندگان، هر کدام یک کتاب. از میان مصوران، آثار علی اکبر صادقی در چهارده کتاب؛ بهمن دادخواه در ده کتاب؛ و فرشید مثنالی در نه کتاب، به چاپ رسید. با توجه به صورت نامهای نوشته شده و فهرست کتابهای منتشر شده، درمی‌یابیم که کانون پرورش، با برنامه‌ای منظم و سازمان یافته، به کار تولید و نشر کتاب برای کودکان و نوجوانان می‌پرداخت و در این راه، از بهترین نویسندگان و مترجمان و

دهه فعالیت، با گرایش به تالیف و تا حد امکان دوری از ترجمه؛ توجه به چگونگی ارائه کتاب؛ توجه به موضوعاتی مانند شعر، اساطیر و کتابهای علمی؛ و توجه به آفرینشهای هنری به معنی تشویق کودکان و نوجوانان به نوشتن؛

تأثیری سترگ بر ادبیات، هنر و سینمای کودک و نوجوان در ایران گذاشت و راه را برای نسلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سکبان ادبیات و هنر این کشور را به دست گرفت، هموار کرد.

پیوست

سند شماره ۱

اداره مطالعات و برنامه‌ها

اساسنامه اداره تعلیمات اجباری (۱۸)

به منظور بسط و تعمیم تعلیمات ابتدائی در سراسر کشور و تهیه وسایل اجرای قانون تعلیمات اجباری و آئین‌نامه‌های آن، در مورد جلب اطفال لازم‌التعلیم به دبستانها برای تحصیل و تهیه محل مدارس مورد نیاز، با استفاده از کمک شهرداریها و متمکنین و تشویق و ترغیب مردم به شرکت در خدمات فرهنگی، اداره فنی به نام «تعلیمات اجباری»، در وزارت فرهنگ تشکیل می‌شود که وظایف آن، به شرح زیر است:

۱. مطالعه در باب امکان اجرای قانون تعلیمات اجباری در نقاط مختلف کشور، از حیث وسایل مورد احتیاج و مخصوصاً ساختمان مدارس و کوشش در رفع و تاءمین آن.

۲. تهیه مقدمات صدور فرمان ملوکانه، جهت اجرای قانون در نقاط آماده و مستعد (موضوع ماده ۴ قانون تعلیمات اجباری).

۳. کمک در تحصیل آمار اطفال لازم‌التعلیم از اداره کل آمار کشور، برای ادارات فرهنگ شهرستانها (موضوع تبصره ماده ۵ قانون تعلیمات اجباری).

۴. راهنمایی ادارات فرهنگ، در موارد زیر:

الف. تشکیل کمیسیونهای ناظر سهم فرهنگ از درآمد شهرداریها، موضوع قانون نظارت در مصرف سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداریها و همچنین، جلب کمک و مساعدت شهرداریها و مالکین، در اجرای تبصره ۱ و ۲ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری؛

ب. تشکیل انجمنهای خیریه، جهت کمک به اطفال بی بضاعت (موضوع ماده ۱۴ آئین‌نامه شماره ۱)؛

ج. استفاده از کمک و مساعدتهای قانونی شوراها، عمران دهات و بخشها؛

د. ایجاد کلاسهای مخصوص، جهت اطفال ناقص الخلقه و کم هوش (موضوع تبصره ماده ۱۱ آئین‌نامه شماره ۱).

۵. کوشش و همکاری با ادارات فرهنگ، در وصول و ایصال ۵٪ سهم قانونی فرهنگ از درآمد شهرداریها.

۶. کوشش و همکاری با ادارات فرهنگ، در تحصیل اراضی متعلق به شهرداری و خالصه و یازمینهای وقفی برای ساختمان مدارس و جلب کمک و مساعدت توانگران نیکوکار و مؤسسات ملی، در اهدای زمین و ساختمان و اعطای اعانات نقدی و تشویق و تقدیر از آنان.

۷. ارائه طریق به حوزه‌های فرهنگی، برای جمع‌آوری و تکثیر عواید ملی، جهت کمک به ساختمان مدارس.

۸. طبع و توزیع یک نشریه سالانه، متضمن گزارش کمک‌هایی که از طرف اشخاص و یا مؤسسات ملی و دولتی به فرهنگ کشور می‌شود و همچنین، اجرای برنامه‌های رادیویی، برای تشویق و تهییج مردم، در راه کمک به بسط و تعمیم تعلیمات ابتدائی.

۹. مطالعه در امر اجرای تعلیمات اجباری در سایر کشورها، با استفاده از همکاری و مساعدت وابسته‌های فرهنگی کشور در ممالک خارج.

۱۰. کمک به ادارات فرهنگ، در تدارک زمین و خانه، جهت معلمینی که در خارج از محل خود اقامت می‌نمایند (موضوع ماده ۱۴ قانون تعلیمات اجباری).

۱۱. تنظیم هر نوع آماری که کار تعلیمات اجباری را تسهیل می‌بخشد.

اساسنامه اداره مطالعات و برنامه‌ها

ماده ۱. اداره مطالعات و برنامه‌ها، یکی از ادارات فنی وزارت فرهنگ است.

ماده ۲. وظایف اداره مطالعات و برنامه‌ها، از این قرار است:

الف. تنظیم و اصلاح برنامه‌ها و آئین‌نامه‌های تعلیماتی در کودکانستانها، دبستانها، دبیرستانها، دانشسراها، کلاسهای تربیت معلم و هنرستانهای فنی و حرفه‌ای، به نحوی که در آنها قواعد و قوانین علوم روانشناسی و تعلیم و تربیت و روشهای جدید آموزشی رعایت بشود تا جوانان ایران، افرادی مفید و مؤثر به حال اجتماع بار آمده، مطابق با مقتضیات زندگی پرورش یابند.

ب. راهنمایی مدارس نمونه و تجربی تهران [و استانهای] که برنامه‌های جدید بار و شهای نوین آموزشی، در آنها مورد عمل و آزمایش قرار می‌گیرد.

ج. نظارت در کتب تحصیلی، به منظور تطبیق آنها با برنامه‌های آموزشی وزارت فرهنگ.

د. انتشار کتب و رسالات و نشریات، به منظور ارتباط بین کسانی که درباره روشهای جدید تعلیم و تربیت، مطالعات و اقداماتی نموده‌اند و توضیح و تشریح برنامه‌ها و دستورهای تعلیماتی وزارت فرهنگ.

ه. اجرای نظریات و مصوبات و مقررات جدید آموزشی در مدارس تجربی و نمونه تاپس از اتخاذ نظر قطعی و نهائی، مراتب به شورای عالی فرهنگ تقدیم گردد.

و. همکاری در تنظیم و اصلاح اساسنامه‌ها و برنامه‌های آموزشگاهها و دانشکده‌های سایر مؤسسات و وزارتخانه‌ها، به منظور انطباق آنها با هدفهای آموزشی و تقدیم آنها به شورای عالی فرهنگ.

ز. همکاری با اداره کل تربیت معلم در تنظیم برنامه و موادی که در کلاسهای تابستانی، برای آموزگاران و دبیران تدریس می‌شود.

ماده ۳. جمع‌آوری نظریات و انتقادات، درباره برنامه‌هایی که در مدارس به مورد اجرا گذارده می‌شود و استفاده از آنها برای اصلاح برنامه‌ها.

اداره امور تربیتی دانش آموزان

هدف. به منظور تقویت قوای ذهنی و جسمی و پرورشی استعدادها و بیداری حس ابتکار دانش آموزان، به وسیله توسعه کارهای دستی و هنری و تشویق جوانان به اشتراک مساعی در امور اجتماعی، اداره‌ای به نام اداره امور تربیتی دانش آموزان، تاسیس و تشکیل می‌گردد.

وظایف

۱. نظارت بر حسن جریان ادارات امور تربیتی دانش آموزان تهران و شهرستانها.

۲. همکاری با کلیه ادارات فنی برای تاهمین، هدفهای تربیتی.

۳. همکاری در تهیه وسایل و لوازم فنی اردوها و کلاسهای فنی و نگهداری صورت و وسائل موجود ادارات و دوائر اردوها و کلاسهای کارآموزی شهرستانها و تهران.

۴. تشکیل کلاسهای کارآموزی مربیان مخصوص کلونها و کارهای مافوق برنامه، با همکاری ادارات تربیت معلم.

۵. تهیه طرح هزینه‌های مربوط به اردوها، از محلتهای سازمان برنامه و عملیات مخصوص و غیره.

۶. اظهار نظر در انتخاب مربیان مربوطی که برای کسب اطلاعات و تکمیل معلومات خود در رشته‌های امور تربیتی به ممالک خارج اعزام می‌شوند.

۷. تعمیم برنامه‌های عمرانی از قبیل درختکاری و غیره، در مدارس و میدانها.

۸. راهنمایی و تشویق اولیای دانش آموزان، به وسایل مختلف در موارد تربیتی.

۹. کمک در انجام مسابقات رشته‌های علمی، ادبی، هنری و زبان، و همچنین، ایجاد نمایشگاه‌های مختلف از کارهای دانش‌آموزان در استانها و انجام مسابقات مشابه آن در کشور، طبق آئین‌نامه مصوبه.
۱۰. کمک و تشویق به تشکیل اردوهای تابستانی دانش‌آموزان و تعمیم گردشهای دسته‌جمعی برای آنان.
۱۱. انتشار نشریات مختلف برای دانش‌آموزان.
۱۲. کمک و تشویق به ایجاد کلاسهای هنری، برای بالا بردن استعداد دانش‌آموزان در استانها.
- تبصره. کلیه نمایاننامه‌هایی که در آموزشگاهها نمایش داده می‌شود، بایستی قبلاً به تصویب ادارات امور تربیتی دانش‌آموزان آن استان رسیده باشد.
۱۳. راهنمایی و کمک در تشکیل شرکت تعاونی دانش‌آموزان و ایجاد صندوقهای پس‌انداز دانش‌آموزی.
۱۴. بررسی برنامه‌های اجرایی و تربیتی در ظرف سال و اخذ نتایج آن.
۱۵. اخذ گزارش ماهیانه شهرستانها و دادن گزارش ماهیانه به شورای فنی.

[سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۲۰۱۱ ت ۱ آب / ۰۵۹۷۳۱/۲۹۷۰۰۲۹۷]



شوریه‌شناسی و مطالعات فرهنگی

پی‌نوشتها:

۱. برای آشنائی با بعضی از طرحهایی که برای بهسازی آموزش و پرورش کشور به تصویب رسیده بود، بنگرید به اسناد شماره ۱ تا ۳ در قسمت پیوست.
 ۲. ایمن، لیلی؛ میرهادی، توران؛ و دولت‌آبادی، مهدخت؛ گذری در ادبیات کودکان، شورای کتاب کودک، تهران، ۱۳۵۷، ج پنجم، ص ۲۷.
 ۳. صدیق، عیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴، ج دوم، ص ۴۸۳.
 ۴. مهمترین این ناشران، عبارت بودند از: انتشارات نور جهان، فرانکلین، معرفت، نیل، ابن سینا، نگاه ترجمه و نشر کتاب، انتشارات امیرکبیر و انتشارات پدیده.
 ۵. برای آشنائی با شورای کتاب کودک، علاوه بر شماره‌های مختلف نشریه گزارش شورای کتاب کودک، بنگرید به مجله راهنمای کتاب، صنع زاده، رضا؛ تاریخچه شورای کتاب کودک، سال ۲۰، ص ۶۵۹.
 ۶. شورای کتاب کودک، کتاب درپچه‌ای به روی جهان، نشریه فرق‌العاده، به مناسبت هفته جهانی کتاب کودک، ۱۴ تا ۲۱ فروردین ۱۳۵۹، بدون شماره صفحه.
 ۷. گزارش شورای کتاب کودک، سال بیست و دوم (آذر، اسفند ۱۳۶۳)، شماره سوم و چهارم، ص ۱.
 ۸. شورای کتاب کودک، کتاب درپچه‌ای به روی جهان، همان.
 ۹. برای آشنائی با مجلات بیک، بنگرید به فصلنامه گنجینه اسناد، طاهر احمدی، محمود،
- مطبوعات کودکان و نوجوانان، سال هشتم، (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، شماره ۲۹، ص ۹۸.
 ۱۰. فصلنامه گفتگو، شریفی، سعید، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، (بهار ۱۳۷۷)، شماره ۱۹، ص ۳۰.
 ۱۱. درباره اساننامه کانون و متن کامل آن، بنگرید به «نخستین کارنامه هفته کتاب از ۲۴ آبان تا آخر آبان ۱۳۴۴»، انتشارات اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۴۴، صص ۷، ۱.
 ۱۲. فصلنامه گفتگو، همان، صص ۳۴، ۳۵.
 ۱۳. بنگرید به «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران»، سند شماره ۲۱۰۹۹، ۲۹۷۰۲۱۰۹۹، ص ۱۲۹، ۳ آب ۱، ۲۹، ۱۵۵۰.
 ۱۴. در این باره، بنگرید به «قاضی، محمد؛ خاطرات یک مترجم، انتشارات زنده‌رود، اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۴۱۱».
 ۱۵. گفتگو، همان، ص ۳۲.
 ۱۶. فصلنامه کانون، دوره اول (آبان ۱۳۵۴)، شماره ۳ و ۴، ص ۱۸۱.
 ۱۷. گفتگو، همان، ص ۳۳.
 ۱۸. قانون تعلیمات اجباری، در ۶ مرداد ۱۳۲۲ به تصویب رسید.